

آخرین دومینو

میزان اهمیت و عمق معنی هر عمل زمانی روشن تر می شود که شما بزرگترین هزینه ها و فداکاری ها را برای رسیدن به آن متحمل شوید. طبق این قاعده احتمالاً عادی سازی روابط با اسرائیل را برای عربستان باید در همین مختصات و چارچوب معنی کرد. روزهایی در تاریخ بودند که در آن ها رژیم صهیونیستی راضی بود تا با قبول حداقل تضمین های امنیتی از سوی کشورهای عربی و اعطای امتیازاتی برای بهبود وضعیت فلسطینیان، روند تطبیع را پیگیری کند. سپس در نتیجه بتواند خود را از انزوا در منطقه نجات دهد و فرصت های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جدیدی را پیش روی خود ببیند. اما امروز گویی آن روند سابق دیگر بر منطقه حاکم نیست. امارات و بحرین بدون اینکه بخواهند در ازای برقراری ارتباط با رژیم، امتیاز و تضمین عملی خاصی در جهت منفعت فلسطین به دست بیاورند، پای پیمان صلح ابراهیم را امضا می کنند و به شریک اقتصادی مهم اسرائیل تبدیل می شوند. حتی اوضاع اسفناک کرانه و طرح مخفیانه الحاق آن به سرزمین های اشغالی توسط دولت تندروی نتانیاها باعث نشد این کشورها موضع گیری جدی یا اقدام عملی در قبال خطوط قرمز سابق خود داشته باشند.

علاوه بر شهرک سازی مداوم برای از بین بردن راهبردی امکان تشکیل یک کشور فلسطینی در کرانه باختری، حملات روزانه ارتش رژیم به اردوگاه های غرب رود اردن و آزار سیستماتیک ساکنین آن نیز از سوی کشورهای عربی، علی الخصوص عربستان سعودی، یک فرایند عادی تلقی می شد. هیچ کدام این اقدامات دولت اسرائیل

را مانعی برای پیش برد طرح های عادی سازی نمی دیدند و پیمان ابراهیم نه تنها حاشیه امنیتی برای مردم فلسطین ایجاد نکرد، بلکه با آسوده کردن خیال دولتمردان صهیونیستی، دست آن ها را برای جنایت های جدیدتر باز گذاشت. در این بین با آغاز عملیات طوفان الاقصی، بسیاری پیش بینی می کردند که یکی از نتایج این حمله سهمگین بر پیکره امنیتی و نظامی اسرائیل، باعث خواهد شد گام های رهبران سعودی برای ادامه طی طریق در مسیر تطبیع بلزرد و از تصمیم خود برای عادی سازی روابط منصرف شوند. اما نه تنها ضربه حماس شک و تردیدی برای بن سلمان ایجاد نکرد بلکه قتل عام زنان و کودکان فلسطینی و داغ ننگین نسل کشی بر روی پیشانی رژیم صهیونیستی و ایالات متحده باعث نشد او از عزم خود روی گردان شود. میل برای انعقاد یک پیمان دفاعی جامع با آمریکا، پیوستن به کریدور IMEC، پایان دادن به یک درگیری سیاسی همیشگی و تضعیف موضع جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت باعث شده است که عربستان سعودی کفه ترازو را به سمت جریان عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی سنگین تر ببیند.

اما این قصه یک سمت و سوی دیگری نیز دارد. همان طور که پیش تر گفته شد، انتظارات حداقلی اسرائیل برای برقراری روابط با اعراب متعلق به گذشته است. در حال حاضر کشورهای عربی حاضرند با پذیرفتن مرزهای ۱۹۶۷ توسط اسرائیل و به رسمیت شناخته شدن دو کشور از سوی یکدیگر، برای اصلاح و ارتقای تشکیلات خودگردان هزینه کنند. چنین پیشنهادی این امکان را به رژیم می دهد

تا از هزینه های بسیار عظیم بازسازی زیرساخت های فلسطین خلاص شود. اما عجیب تر از آن، این است که با وجود اعطای امتیازات بسیار زیاد و بی سابقه از سوی کشورهای عربی، رهبران حاکم بر رژیم صهیونیستی حتی ابتدایی ترین شروط طرف توافق خود را نیز به سخره می گیرند. نتانیاها، نخست وزیر رژیم، یکی از مخالفان همیشگی و سرسخت راه حل دوکشوری است. اکنون و پس از آغاز عملیات طوفان الاقصی، او توانسته است این مخالفت خود را با افکار عمومی مردم خود پیوند دهد. در افق دولت راست گرای فعلی حتی تشکیلات خودگردان که با ضعف بسیار زیاد تحت نفوذ کامل امنیتی اسرائیل است، به عنوان یک نیروی متخاصم درک می شود که اگر فرصتی پیدا کند هم چون حماس و سایر گروه های مقاومت به امنیت رژیم ضربه خواهد زد. طرح اصلی نتانیاها مبتنی بر حذف و انهدام کامل نیروی رزمی مقاومت فلسطین و غیرمسلح ساختن آن است و طبق اعلام شخص او، تا زمان رسیدن به این هدف و احیای بازدارندگی، آتش بس دائم انجام نخواهد شد.

اگر عربستان واقعاً به دنبال اجرای پیمان نامه ابراهیم است - که تا به حال نیز عمیقاً چنین نشان داده است - دولت نتانیاها یک مانع دائمی برای انجام آن خواهد بود. بنابراین هرگونه توافق برای تشکیل کشور فلسطین باید در یک فرایند عملی زمان دار و غیرقابل بازگشت تعریف شود که شامل تغییر مسیر دولت بنیامین نتانیاها خواهد بود. البته در این فرایند یا نخست وزیر رژیم موفق خواهد شد به اهداف خود در غزه دست یابد و نظم جدیدی را بر منطقه تحمیل کند. در غیر این صورت حتی در صورت تغییر موضع به سمت تشکیل و به رسمیت شناختن فلسطین طبق مرزهای ۱۹۶۷، دولت فعلی رژیم دچار فروپاشی خواهد شد.

مانع بسیار مهم بعدی توافق با حماس است. اگر حماس بتواند موجودیت خود را در غزه حفظ کند - که واقعیت میدان نیز چنین چیزی را نشان می دهد - کناره گیری او از سپهر سیاسی فلسطین امری غیرممکن خواهد بود. محبوب ترین گروه سازمان یافته فلسطینی نامزد شماره یک حاکمیت